



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.71961.1067

مقاله پژوهشی-کاربردی

## مواجهه با زانديشانه با بحران اقتصادي در زندگي روزمره: راهبردها و پيامدها

مجتبي ميرزائي (دكترای جامعه‌شناسي اقتصادي و توسعه، دانشگاه فردوسي مشهد، مشهد، ايران، نويسنده مسئول)

**m\_mirzaie1990@yahoo.com**

غلامرضا صديق اورعي (استاديار گروه علوم اجتماعي، دانشگاه فردوسي مشهد، مشهد، ايران)

**sedighourae@um.ac.ir**

مهدی کرمانی (استاديار گروه علوم اجتماعي، دانشگاه فردوسي مشهد، مشهد، ايران)

**m-kermani@um.ac.ir**

احمدرضا اصغريور ماسوله (استاديار گروه علوم اجتماعي، دانشگاه فردوسي مشهد، مشهد، ايران)

**asgharpour@um.ac.ir**

### چکیده

بروز بحران اقتصادي و در کنار آن ظهور پديده همه‌گير کرونا و تأثير آن بر اوضاع اقتصادي، در سال‌هاي اخير شرايط اقتصادي نامطلوبي را براي اقشار مختلف جامعه به وجود آورده است. در اين شرايط خانوارها نيازمند کنش‌ها و راهبردهايي براي انطباق با شرايط و گذر از اين وضعيت هستند. تحقيق حاضر نيز با هدف بررسي همين راهبردها که در شرايطي از نامطلوبيت اقتصادي از سوي خانوارها صورت مي‌پذيرد، گام برداشته است. اين مطالعه در چهارچوب پارادايم تفسيری و برساخت‌گرا با رويکرد کيفي، تکنیک تحليل مضمون و ابزار پرسشنامه نیمه‌ساخت‌يافته انجام شده است. افراد بيشتر از ۱۸ سال نمونه تحقیق را تشکیل داده‌اند که برای انتخاب آن‌ها از نمونه‌گيري هدفمند از نوع در دسترس استفاده شده است. معيار ورود به مطالعه نيز سرپرست خانوار بودن نمونه‌ها در نظر گرفته شده است که درنهايت با توجه به قاعده اشباع نظري با ۳۶ نفر مصاحبه شد. نتايج تحقيق نشان داد که راهبردهاي مواجهه شهروندان در سه دسته قرار مي‌گيرد: بعضي از کنش‌ها

مجله علوم اجتماعي دانشکده ادبيات و علوم انساني دانشگاه فردوسي مشهد، پاييز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۶۵-۱۹۴

تاريخ دريافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱ تاريخ تصويب: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

مقاومتی بودند و تنها درصدد کاهش میزان اثرات بحران‌ها بر اقتصاد خانوار و تلاش برای ادامه حیات بودند. برخی کنش‌ها نیز بازیابی‌کننده بودند؛ بدین صورت که خانوارها در صدد حفظ سطح رفاهی خود قبل از بروز بحران‌ها بودند. در اینجا کنش‌های اقتصادی کوتاه‌مدت و ناپایدار بوده است و تأثیر چندانی بر بازیابی اقتصاد خانوار و دفع شوک‌های بحران نداشته‌اند. برخی کنش‌های دیگر نیز در حوزه راهبرد خلاقیت قرار گرفتند. در این راهبرد افراد با استفاده از شرایط هرج و مرج اقتصادی کنش‌هایی نامولد و ناکارا را برای افزایش سهم خود از اقتصاد به کار بردند. در این راهبرد منفعت عمومی نادیده گرفته می‌شود و فقط نفع شخصی مدنظر افراد قرار دارد؛ البته برخی از کنش‌های خلاق مولد با عنوان خلاق بالقوه معرفی شده‌اند که با موانع بسیار در جهت عملی شدن روبه‌رو بوده‌اند. در کنار این، نتایج تحقیق همچنین بیانگر اعتقاد شهروندان به تأثیرگذاری محیط و بستر اجتماع بر نحوه راهبردهای اقتصادی مردم بوده است؛ بدین صورت که فقدان بلوغ سیاسی علت ایجاد پیامدهایی چون اقتصاد شکننده، جامعه کم‌عیار و فرهنگ عقلانیت ستیز است؛ شرایطی که نوع راهبردها و کنش‌های اقتصادی خانوار را متأثر کرده است.

کلیدواژه‌ها: بحران اقتصادی، راهبردهای مواجهه، راهبرد مقاومت، فقدان بلوغ سیاسی، راهبرد خلاقیت.

#### ۱. مقدمه

با آغاز دهه اول قرن بیست و یکم، بیشتر کشورهای دنیا شاهد بحران‌های بی‌سابقه اقتصادی، مالی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده‌اند (میسرینسکی، ایواسکوویچ و رایلن، ۲۰۱۴؛ کاپور<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ رینهارت و روگاف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). به‌خصوص در سال‌های بعد از ایجاد بحران مالی ۲۰۰۸، مخاطرات و تغییرات ایجادشده در حوزه اقتصادی بر سایر حوزه‌ها مثل حوزه سیاسی، زیست‌محیطی و به‌ویژه اجتماعی اثرگذار بوده است (گزارش بانک جهانی،

1. Mačerinskienė, Ivaškevičiūtė & Railienė

2. Kapoor

3. Reinhart & Rogoff

۲۰۱۰، ص. ۳). فقر، تورم افسارگسيخته، بيكاري‌هاي گسترده، محروميت‌هاي اقتصادي و افزايش سرسام آور هزينه‌هاي زندگي از جمله پيامدهاي بحران‌هاي مالي اخير هستند كه هريك بر زندگي افراد جامعه تاثير گذاشته است (ايزدي، ۱۳۸۷؛ فليكس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). پيامدهايي كه در طول يكي دو سال اخير و با ظهور پديده همه‌گير كرونا به مراتب از تاثيرپذيري بيشتري برخوردار شده‌اند. ظهور بحران كرونا به‌طور روشن به جنبه اقتصادي زندگي اجتماعي نيز حمله کرده و وضعيت افراد بسياري را براي زيستن و تأمين معاش زندگي را با مشكل مواجه کرده است. تاثيرگذاري اين بحران‌ها (اعم از بحران مالي و بحران كرونا) در ايران نيز شرايط متفاوتي را براي مردم فراهم آورده‌است. درباره ايران بايد عنوان كرد كه اين كشور به لحاظ نوع ارتباطاتي كه با دنياي خارج دارد، به‌ويژه در حوزه اقتصادي، از تنش‌ها و بحران‌هاي اخير ايجادشده در دنيا تاثير پذيرفته است. به‌علاوه، ايران به‌دنبال تحريم‌هاي صورت گرفته از سوي دولت آمريكا و فشار اين دولت بر ساير سازمان‌هاي بين‌المللي براي تحريم بيشتري، شرايط دشوارتري را تجربه مي‌كند. افزايش تورم، کاهش نرخ رشد اقتصادي، افزايش شديد نرخ ارز، خروج سرمايه، افزايش بيكاري به دليل ورشكستگي و تعطيلي بنگاه‌هاي اقتصادي، افت توليد، کاهش قدرت خريد مردم، افزايش قيمت بنزين و كالاهاي ضروري، مشكلات و موانع تأمين دارو و نهاده‌هاي اوليه براي توليد كالاهاي ضروري و... (بانك مركزي، ۱۳۹۸) از مهم‌ترين مشكلاتي بوده است كه بر مردم تحميل شده و بر معيشت و زندگي اجتماعي آنان تاثير گذاشته است. از طرفي ديگر، در كنار تهديد‌هاي اقتصادي و فشارهاي معيشتي، بروز بحران جهاني و همه‌گير كرونا نيز شرايط را بيش از پيش پيچيده‌تر و بغرنج‌تر کرده است. به‌دنبال اين مسائل، داده‌هاي مركز آمار در سال ۱۳۹۸، افزايش شكاف بين درآمد و هزينه در بين خانوارهاي شهري و روستايي و درنتيجه مشكلات در تأمين معيشت را نشان مي‌دهد. اين پيامدها مردم را ملزم به ارائه پاسخ‌ها و راهكارهايي براي ادامه روند زندگي و برون‌رفت از شرايط بحراني و وضعيت نامطلوب مي‌كند. راهكارهايي در

سطوح خرد که مطالعه آن‌ها و بررسی این نوع از کنش‌ها و نحوه تصمیم‌گیری‌ها در این شرایط، روند مدیریت بحران برای سال‌های آتی را متأثر خواهد کرد.

بنابراین شکل ساده پژوهش حاضر، بر این اساس صورت‌بندی می‌شود که کنش‌های اقتصادی مردم و راهبردهای آن‌ها برای برون‌رفت از شرایط حال حاضر جامعه چیست؟ و این کنش‌ها و راهبردها متأثر از چه شرایط و زمینه اجتماعی برخاسته است؟

نکته درخور توجه اینکه مطالعه کنش‌های اقتصادی افراد و خانواده‌ها امری است که بسیار کم در مطالعات اندیشمندان مختلف اجتماعی و اقتصادی پیدا می‌شود؛ چراکه در اکثر مطالعات دیدگاه‌های کلان‌نگر و ساختاری غلبه داشته است (به‌عنوان مثال مراجعه شود به دی‌گرایو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ دلاپورتا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ گاردو و رینز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ نیوتون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ خاویر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳؛ پاول<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). همین جریان در مطالعات مربوط به ایران نیز مشاهده‌شدنی است. بیشتر مطالعات به ساختارهای سیاسی و اقتصادی کلان توجه داشته‌اند و کمتر توجهی را به عاملان اجتماعی می‌توان دید (به‌عنوان مثال مراجعه شود به رضایی، ۱۳۹۷؛ خضری، ۱۳۸۷؛ احمدزاده، حیدری و ذوالفقاری، ۱۳۹۱؛ شیخانی و موسوی، ۱۳۹۱). در مطالعات مربوط به ایران نیز بیشتر بر سیاست‌های اتخاذشده در سالیان دراز و وابستگی و تک‌محصولی بودن اقتصاد کشور تأکید شده است؛ اینکه تا چه حد اتکا به درآمدهای ناشی از فروش نفت و مشتقات آن توانسته روند توسعه و تولید را در کشور تحت‌تأثیر خود قرار دهد؛ ازاین‌رو سطوح خرد کمتر توجهی را به خود جلب کرده است. در سطح خرد تنها می‌توان به تحقیق میرزایی، صدیق اورعی، کرمانی و اصغرپور (۱۴۰۰) اشاره کرد که با مطالعه‌ای فراترکیب راهبردهای انطباق با بحران‌های اقتصادی را در دو سطح خرد و کلان مشخص کرده است.

- 
1. Paul De Grauwe
  2. Donatella Della Porta
  3. Sandro Gardo & Martin Reiner
  4. Kenneth Newton
  5. Javier Polavieja
  6. Charles Powell

مطابق با اين تحقيق، در سطح خرد رايج ترين راهبردهاي خانوار براي مقابله با بحران، کاهش هزينه‌هاي مصرفي خانوار، تنوع معيشتي و درخواست کمک از شبکه‌هاي اجتماعي و مدني و در نهايت مهاجرت بوده است.

## ۲. چارچوب نظري تحقيق

امروزه مسئله‌اي که بيش از هر چيز اذهان را به خود مشغول کرده است، رابطه‌ي ميان مناسبات نظام اقتصاد و محيط اجتماعي است؛ اين در حالي است که در دهه‌هاي ۵۰ و ۶۰ از آن غفلت شد. اين غفلت عمدتاً از نوع نگاه اقتصاد کلاسيک به انسان اقتصادي و روابط و مناسبات انسان‌ها و روابط نهادهاي اجتماعي ناشي مي‌شد؛ زيرا در اقتصاد کلاسيک بازار، به انسان‌ها همچون «ذره» يا «اتم» نگريسته مي‌شد و حداکثر روابط آن‌ها به دادوستد اقتصادي محدود مي‌شد؛ البته اقتصاد مارکسيستي نيز تنها توانست آن را تا سطح رابطه کارگر و سرمايه‌دار و رابطه مالکيتي ارتقا دهد، ولي اساساً به ساير روابط اجتماعي مؤثر بر عملکرد اقتصادي و تأثير و تأثير نهادها کم‌توجهي مي‌شد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، به‌ويژه در دو دهه پاياني قرن بيستم، عمدتاً اقتصاددانان نهادگرا و جامعه‌شناسان اقتصادي اين بحث‌ها را زنده کردند و پرورش دادند و به روابط بين حوزه اقتصادي و اجتماعي توجه نشان دادند (ولي‌زاد، احمدش و ساعي ارسى، ۱۳۹۷)؛ از همين رو، در اين تحقيق براي بررسي کنش اقتصادي مردم در شرايط نبود اطمينان اقتصادي، از نظريه‌هايي استفاده شده است که به‌رغم توجه به مناسبات اقتصادي، محيط اجتماعي و فرهنگي را نيز به‌عنوان يکي از مهم‌ترين عوامل تأثيرگذار بر عملکرد اقتصادي مدنظر قرار داده باشند. براي اين منظور، گذري مختصر به نظريه‌هاي نهادگرایی، کارآفريني و نظريه‌هاي حوزه جامعه‌شناسي اقتصادي صورت گرفته است.

در چهارچوب مربوط به نظريه‌هاي نهادگرایی بر مدل‌هاي ذهني افراد براي تفسير جهان اطراف تأکيد شده است. در اين ديده‌گاه براي تجزيه و تحليل کنش کنشگران اقتصادي به فرد

به عنوان یک وجود فردی نگاه نمی شود؛ بلکه در آن کنش فرد را در ارتباط با فرایند تغییر نهادی و جمعی بودن عمل تحلیل می کنند. این چهارچوب اهداف و ترجیحات فردی را به عنوان وسیله و محرک کنش های اقتصادی فرد قلمداد می کند، اما به این امر نیز توجه دارد که فرد را نباید امری ثابت و متعین در نظر گرفت. در تحلیل های اقتصادی این چهارچوب، فرد هم تولیدکننده هم عامل تغییر شرایط و هم محصول شرایط است (کسمائی، ۱۳۹۷؛ متوسلی و احقاقی، ۱۳۹۱؛ نورث<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ دیویی، ۱۹۷۷؛ جواس، ۱۹۹۶).

در چهارچوب نظریه های مربوط به کارآفرینی درباره تحلیل کنش های اقتصادی در شرایط نبود اطمینان و ناکارایی اقتصادی، بیشتر به ظهور کارآفرینی های نابهره ور و نامولد تأکید شده است. در اینجا فرد صرفاً به دنبال مطلوبیت شخصی خود است و برای کلیت اقتصاد منفعت ندارد. در این چهارچوب حتی بر تمایل به انجام دادن اقدامات غیرقانونی تأکید شده است؛ بدین صورت که چنانچه در این شرایط منافع درگیری در این نوع فعالیت ها بر هزینه های آن پیشی بگیرد، گرایش افراد به سمت کارآفرینی مخرب بیشتر خواهد شد. در نهایت اینکه این چهارچوب مطرح می کند در زمان ناکارایی اقتصادی امکان گرایش افراد به کارآفرینی بیشتر می شود، ولی از نوع مخرب و نامولد آن (هنرکسون، ۲۰۰۷؛ زبیری، ۱۳۹۵؛ اسکات شین و ون کاترمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ هولکامب<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ دیو، ساراسوتی، ولاموری و ون کاترمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳).

در حوزه جامعه شناسی نیز نظریه های متفاوتی در این زمینه مطرح شده است؛ از نظریه کنش وبر که به سنخ بندی انواع کنش می پردازد گرفته است تا مباحث مطرح شده در نظریه های انتخاب عقلانی، حکم شدگی گرانووتر و پولانی و ساختارگرایی تکوینی بوردیو. هرکدام از این نظریه ها به طور متفاوتی درصدد تحلیل کنش های انسانی برآمده اند. وبر، فرد

---

1. North

2. scott shane & venkataraman

3. Holcombe

4. Dew, Sarasvathy, Velamuri & Venkataraman

انسانی و کنش یا عمل وی را به عنوان پایه اساسی مطالعات خود قرار داده و انواع مختلفی را برای آن تعریف کرده است. او با ایجاد ارتباط بین نظریه اقتصادی و جامعه‌شناسی، کنش اقتصادی را تعریف کرده است و معتقد است که ارضای میل به مطلوبیت سبب رخ دادن کنش اقتصادی می‌شود. وی جنبه اجتماعی کنش اقتصادی را با مفهوم انحصاری کردن فرصت‌ها نشان می‌دهد؛ اینکه دستیابی فردی به فرصت، دیگران را از آن محروم می‌کند؛ بنابراین در بررسی کنش اقتصادی باید عوامل بیرونی نیز مدنظر باشد (اشرف، ۱۳۵۷؛ سوئدبرگ، ۱۳۹۶). تئوری انتخاب عقلانی نیز کنش افراد را با دو عامل ترجیحات و محدودیت‌ها بررسی می‌کند و تأکید دارد که در بررسی کنش افراد در کنار توجه به اولویت‌های فردی، عوامل خارج از فرد یا عوامل بیرونی نیز حائز اهمیت است، اما تأکید این تئوری بر یک رویکرد عقلانی صرف یا عقلانیت ابزاری است که البته سایمون با طرح عقلانیت محدود آن را به عقلانیت اجتماعی تغییر داد و نقش محیط در نوع کنش افراد را روشن‌تر کرد (ماتیاس و استفان، ۲۰۱۵؛ جیگرنزر و سلتن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱؛ رنالی و همکاران، ۱۳۹۵).

پولانی و گرانووتر نیز با طرح مفاهیم حک‌شدگی و فک‌شدگی، سعی در نشان دادن ارتباط بین عمل اقتصادی و ساختار اجتماعی داشته‌اند. پولانی با نگاه تاریخی خود به دنبال نشان دادن این مطلب است که حوزه اقتصادی افراد با حوزه اجتماعی آن‌ها ارتباط نزدیک دارد؛ به طوری که هرکدام دیگری را متأثر از خود می‌کند (فاس فلد، ۱۹۹۳؛ مالجو، ۱۳۸۵). گرانووتر نیز در جهتی متفاوت از پولانی قدم برداشته و به دنبال تکمیل ایده وی بوده است. او معتقد است کنشگران به عنوان افراد متمایز و منفرد، جدا از زمینه‌های اجتماعی رفتار نمی‌کنند یا تصمیم نمی‌گیرند. آنان همچنین کورکورانه از تجویزهایی پیروی نمی‌کنند که توسط گروه‌بندی‌های اجتماعی‌شان برای آن‌ها نگاشته شده است؛ بلکه تلاش‌های آن‌ها برای کنش‌های هدفمند، در نظام در حال جریان روابط اجتماعی حک شده است (گرانووتر، ۱۹۸۵).

بورديو نیز برای تحلیل کنش با طرح نظریه ساختارگرایی تکوینی و تولید مفاهیمی چون میدان، عادتواره، سرمایه‌ها، ذائقه و خلق‌وخوی، تأثیرپذیری کنش افراد را از محیط اجتماعی نشان می‌دهد. از دید بورديو، در میدان‌های اجتماعی کنشگران به رقابت برای کسب سرمایه‌های متنوع می‌پردازند. به اعتقاد او به میزانی که سرمایه بین کنشگران اجتماعی به صورت متفاوت تقسیم شود، تفاوت و تمایز نیز بین آن‌ها روی خواهد داد. بورديو نشان می‌دهد که می‌توان از رهگذر سلائق و ذائقه افراد که تحت تأثیر میزان سرمایه‌های دریافتی از میدان است، تفاوت در کنش‌ها و موضع‌گیری‌های افراد را تحلیل کرد. او ادعا می‌کند فضایی که در آن با توجه به امکانات موجود سلیقه یا عادتواره‌ها را ایجاد می‌کند، به فضای موضع‌گیری و کنش قابل ترجمه است؛ بنابراین به‌ازای هر سطح از موقعیت‌ها، سطحی از عادتواره‌ها (یا سلیقه‌ها) وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آید و توسط این عادتواره‌ها نیز مجموعه‌ای انتظام‌یافته از خصلت‌ها و ثروت‌ها به وجود می‌آید که کنش افراد را نیز هدایت می‌کند (بورديو، ۱۹۸۴؛ هوانگ، ۲۰۱۹؛ سوئدبرگ، ۲۰۰۹؛ بورديو، ۲۰۰۵؛ گرنفل، ۱۳۸۹).

در جمع‌بندی نظریه‌های بحث‌شده باید عنوان کرد که در این نظریه‌ها تأکید بر نقش محیط و نهادهای مختلف به‌عنوان متغیری مستقل در شکل‌دادن به روندها و نتایج کنش‌های فردی و جمعی به‌وضوح دیده می‌شود. در همه این نظریه‌ها تأکید بر این است که تحلیل کنش‌های افراد تنها با تأکید بر افراد، دید و نگاه جامعی را در اختیار قرار نخواهد داد. برای کسب نگاهی کامل‌تر و جامع‌تر نباید از عوامل محیطی و نهادی غافل ماند. تحلیل کنش اقتصادیِ عاملان اقتصادی نیز جدای از این مسئله نیست و مطالعه و بررسی آن و همچنین درک جهت‌گیری‌های متفاوت در آن بین افراد، این مسئله را لازم می‌کند که باید مطالعه‌ای همه‌جانبه‌تر برای درک آن صورت پذیرد؛ از همین روی در تحقیق حاضر، با تأکید بر مفهوم حک‌شدگی و همچنین مفاهیم عادتواره و میدان در نظریه ساختارگرایی بورديو، سعی شده است تا ضمن نشان‌دادن اهمیت محیط اجتماعی افراد در نوع کنش‌های اقتصادی و عملکرد



آن‌ها، سیطره حوزه اقتصادی بر زمینه اجتماعی نیز نمایان شود؛ به عبارتی این مطالعه بر آن است که رابطه دیالکتیک و متقابل بین حوزه اقتصادی و حوزه اجتماعی را با نظریه‌های مرتبط نشان دهد؛ با این تأکید که در شرایط فعلی در جامعه ایرانی می‌توان مفهوم حکم‌شدگی حوزه اقتصادی بر زمینه اجتماعی را بیش از هر زمان دیگر احساس کرد.

### ۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ مبانی نظری و معرفت‌شناسی در چهارچوب پارادایم تفسیری و برساخت‌گرا قرار می‌گیرد. در این رویکرد تلاش شده است تا پیامدهای شرایط نامطلوب اقتصادی و راهبردهای شهروندان برای مقابله با این وضعیت با استفاده از روش کیفی کشف و توضیح داده شود. در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها نیز از تکنیک تحلیل مضمون استفاده شده است. فرایند تحلیل مضمون زمانی شروع می‌شود که تحلیلگر به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد. نقطه پایان این فرایند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌هاست (براون و کلارک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

نمونه تحقیق، ۳۶ نفر از شهروندان بیشتر از ۱۸ سال شهر مشهد بوده‌اند که در بازه زمانی اردیبهشت ماه و خرداد ماه سال ۱۴۰۰ از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مطالعه شدند. برای انتخاب افراد مطالعه‌شده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع دسترس استفاده شده است. معیار مکمل ورود به مطالعه نیز سرپرست خانوار بودن نمونه‌ها در نظر گرفته شده است. در کنار این مسئله، در انتخاب نمونه‌ها سعی شده است تا در حد امکان مشارکت‌کنندگانی از مناطق و محله‌های کم‌برخوردار و پایین شهر و نیز از مناطق و محله‌های متوسط و بالای شهر انتخاب شوند. روند مصاحبه و انتخاب نمونه در این تحقیق تا زمانی ادامه یافت که دیگر مضمون و مفهوم جدیدی از تحلیل مصاحبه‌ها به دست نیامد؛ به عبارتی در جمع‌آوری

داده‌ها و انتخاب تعداد نمونه از قاعده اشباع نظری پیروی شده است. ویژگی‌های عمومی مشارکت‌کنندگان در تحقیق در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق

ردیف	سن	جنس	شغل	ردیف	سن	جنس	شغل	ردیف	سن	جنس	شغل
۱	۵۸	مرد	آجیل فروش	۱۳	۴۲	مرد	کارشناس شهرداری	۲۵	۴۰	مرد	استاد دانشگاه
۲	۳۸	مرد	کارمند شرکت جهاد	۱۴	۵۵	مرد	میوه فروش	۲۶	۳۱	مرد	پیمانکار
۳	۳۹	مرد	کاسب محصولات فرهنگی	۱۵	۳۸	مرد	عینک ساز	۲۷	۳۷	مرد	فروشنده
۴	۲۴	مرد	نظامی و مغازه دار	۱۶	۳۷	مرد	آرایشگر	۲۸	۵۳	مرد	مغازه دار
۵	۶۱	مرد	بازنشسته	۱۷	۴۵	مرد	میوه فروش	۲۹	۴۸	مرد	کشاورز
۶	۲۷	مرد	مهندس پیمانکار	۱۸	۴۳	مرد	نصاب دوربین	۳۰	۴۳	مرد	آرایشگر
۷	۴۰	مرد	کارگر شهرسازی	۱۹	۵۶	مرد	مکانیک	۳۱	۲۹	مرد	کارگر ساختمان
۸	۳۲	زن	ادمین پیج	۲۰	۳۰	مرد	فروشنده پوشاک	۳۲	۴۶	مرد	در و پنجره ساز
۹	۳۶	مرد	کارمند نظامی و لحافدوز	۲۱	۳۵	مرد	نظافت‌چی	۳۳	۵۱	مرد	مبل فروش
۱۰	۴۵	مرد	استاد دانشگاه	۲۲	۴۶	مرد	معلم	۳۴	۵۷	مرد	تولیدی کفش
۱۱	۴۷	مرد	بنا	۲۳	۳۸	مرد	کارگر ساختمان	۳۵	۲۸	مرد	تعمیرکار موبایل
۱۲	۳۴	مرد	فعال در حوزه پوشاک	۲۴	۶۴	مرد	بازنشسته	۳۶	۴۱	مرد	کارگر ساختمان

## ۴. یافته‌های تحقیق

با توجه به اصول روش تحلیل مضمون، مصاحبه‌های انجام شده درباره موضوع تحقیق، کدگذاری و تجزیه و تحلیل شدند. در این مراحل، مضامین از مصاحبه‌ها در سه سطح مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه استخراج شد. نتایج تحقیق بیانگر دو مضمون فراگیر، هفت مضمون سازمان‌دهنده و ۳۸ مضمون پایه بوده است. اولین مضمون فراگیر استخراج شده در تحقیق حاضر، مضمون ساختار توسعه‌گریز بوده است. این مضمون چهار مضمون سازمان‌دهنده و ۲۱ مضمون پایه دارد.

جدول ۲- تحلیل مضمون مربوط به مضمون فراگیر ساختار توسعه‌گریز

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	
انباشت ناکارآمدی نهادی	فقدان بلوغ سیاسی	علت	ساختار توسعه‌گریز
ضعف بروکراسی			
رواج هنجارگریزی در قانون			
تأثیرگذاری تحریم			
رفتار انتخاباتی نادرست			
کوچک‌شدن سفره	اقتصاد شکننده	پیامد	
اقتصاد زخمی			
اقتصاد بقا			
اقتصاد ضد توسعه			
کرونا	جامعه کم‌عیار		
سرسدگی اجتماعی			
ناامیدی اجتماعی			
بی‌اعتمادی اجتماعی			
نارضایتی عمومی			
کاهش انتظارات اجتماعی			
کیفیت زندگی			

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر	
فرسایش شأن شغلی			
بازدارندگی دین	فرهنگ عقلانیت ستیز		
تقلیدگرایی هیجانی			
اتمیزه شدن فرهنگ			
فروپاشی اخلاق اجتماعی			

#### ۴. ۱. ساختار توسعه‌گریز

ساختار توسعه‌گریز یکی از مهم‌ترین مضامین احصاء‌شده در تحقیق حاضر است. این مضمون نگاهی کلی از مردم و شهروندان را درباره بخشی از نهادهایی چون سیاست، اقتصاد، وضعیت اجتماعی و وضعیت فرهنگی ارائه می‌دهد. آنچه از مصاحبه با افراد نمونه تحقیق به دست آمده است، بیانگر این موضوع است که ساختار غالب کنونی در جامعه ما، به تصور شهروندان قادر به فراهم کردن شرایط توسعه نیست. جامعه در بخش‌هایی از این نهادها دچار کاستی‌ها و مشکلاتی است که هم‌زمانی آن‌ها با وضعیت نامطلوب اقتصادی حاکم بر جامعه، شرایط را برای حرکتی رو به جلو هم در سطوح کلان و هم در سطوح خرد مشکل کرده است. مضمون ساختار توسعه‌گریز بیانگر همین مطلب است که شرایط برای بهبود و افزایش عملکرد جامعه در لایه‌های مختلف آن وجود ندارد.

در ادامه مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با مضمون فراگیر ساختار توسعه‌گریز بررسی شده است.

#### ۴. ۱. ۱. فقدان بلوغ سیاسی

در پژوهش حاضر نخستین مضمون سازمان‌دهنده، مضمون فقدان بلوغ سیاسی بوده است. تجزیه و تحلیل مجموعه برداشت‌های شهروندان از چپستی و چرایی راهبردهای کنشی آن‌ها در شرایط بحرانی نشان می‌دهد که برای شهروندان، مضمون امر سیاسی (فقدان بلوغ سیاسی) در شکل‌دهی به نوع و نحوه کنشگری آن‌ها، بالاترین وجه اهمیت را دارد؛ بر همین

اساس است که در روایت بسیاری از آنها، مضامین پایه‌ای نظیر انباشت ناکارآمدی نهادی، ضعف بروکراسی، رواج هنجارگریزی در قانون، رفتار انتخاباتی نادرست و تأثیر تحریم، محصول مستقیم فقدان بلوغ سیاسی در شرایط فعلی است. به‌طور مشخص از نظر شهروندان، بخشی از کنشگری اقتصادی آنها به علت مناسبات موجود در یک نظام سیاسی نابالغ است؛ یعنی الگوی رفتاری شهروندان در این برهه از زمان، بیشتر واکنش در برابر کنشگری مضمون سیاست بوده است.

این امر به‌ویژه در دو مضمون پایه شامل تأثیر گذاری تحریم و ناکارآمدی نهادی بیش از سایر مضمون‌های پایه خود را به شکل بدیهی نمایان کرده است. معنای آن از دیدگاه مخاطبان این است که به دلیل فقدان بلوغ سیاسی، در مواجهه با مضامین پایه‌ای نظیر تحریم، ناکارآمدی نهادی، ضعف بروکراسی یا دیوان‌سالاری تصمیم‌های مناسب گرفته نشده است؛ برای نمونه یکی از شهروندان در این باره تأکید می‌کند که مهم‌ترین مشکل کشور ایران ناکارآمدی مدیریتی است:

«در حال حاضر بزرگترین مشکل مردم ما ناکارآمدی مدیریتی است. اگر مدیریت وجود داشته باشد، با کمترین منابع می‌توان بیشترین بازدهی را به دست آورد. در ایران اما منابع زیادی وجود دارد که بر اثر بی‌تدبیری و ناکارآمدی استفاده مناسب از آنها نشده است و باعث ایجاد شرایط کنونی شده است.»

شهروندی دیگر می‌گوید:

«نگاه اونیورسالی دولتمردان نیز از ناکارآمدی آنان نشئت می‌گیرد؛ اینکه دائماً به دنبال بهبود مسئله‌ای از سمت خارج از کشور باشیم تا بتوانیم شرایط داخلی را مناسب‌تر کنیم، چیزی را درست نخواهد کرد.»

یا دیگری مطرح می‌کند:

«مسئولین می‌باید در مدیریت خود کارآمدتر باشند و فکری به حال مردم کنند؛ زیرا اوضاع مردم بسیار وخیم است و از نظر معیشتی در مضیقه هستند و باید به فکر راه چاره‌ای

باشند. درآمد ها نسبت به تورم خیلی پایین آمده و درآمدها به هیچ وجه پاسخگوی تورم نیست و هر روز همه چی گران تر می شود. مردم ناامید شده اند. مسئولان باید چاره ای برای حل این اوضاع پیدا کنند».

بنابراین از دیدگاه مردم پیداست که ناکارآمدی مسئولان و انباشت ناکارآمدی یکی از اصلی ترین علل ایجاد شرایط کنونی شناخته شده است که در قالب مضمون فقدان بلوغ سیاسی نشان داده شده است. رفع فقدان بلوغ سیاسی و حل و فصل این مشکل در کنار توجه به مسئله انباشت ناکارآمدی نهادی نیازمند توجه به ضعف بروکراسی، هنجارگریزی در قانون، بحث تحریم و حتی رفتار انتخاباتی نادرست از سوی مردم است.

#### ۴. ۱. ۲. اقتصاد شکننده

دومین مضمون سازمان دهنده مرتبط با ساختار توسعه گریز، امری اقتصادی با عنوان مضمون اقتصاد شکننده است. بی گمان، مهم ترین حوزه ای که تحت تأثیر زمینه سیاسی یک جامعه قرار دارد و به سرعت نتیجه تغییرات و فقدان بلوغ در امر سیاسی در آن نمایان می شود، حوزه اقتصادی آن جامعه است.

تجزیه و تحلیل مجموعه برداشت های شهروندان از این مضمون نشان می دهد که اقتصاد شکننده در جامعه کنونی با مضامین پایه ای چون کوچک شدن سفره مردم، اقتصاد زخمی، اقتصاد بقا، اقتصاد ضد توسعه و همچنین تأثیرگذاری کرونا مشخص شده است.

کوچک شدن سفره خانوار که خود نتیجه کاهش قدرت خرید و افزایش تورم و رکود بوده است، باعث شکل گیری اقتصادی زخمی و ناتوان در زندگی مردم شده است؛ امری که مسبب اتخاذ کنش های اقتصادی نه چندان توسعه زا از سوی مردم شده است. در شرایط کنونی آنچه بیشتر در سطوح اقتصادی خرد اجتماعی دیده می شود، انتخاب اقتصاد بقا یا اقتصاد روزمرگی و معیشتی به عنوان راهبردی برای تأمین نیازهای زندگی است. در این خصوص شهروندی روایت می کند:

«در این شرایط الآن در کسب و کارمون و کاسبی هامون دچار درجاذگی شدیم. الآن طوری هستیم که تمام تلاشمون به اندازه روزمرگیمون هست. اگر ما الآن هزینه های زندگی مون در بیاد خدا را شکر می کنیم. تورم هزار برابر شده و کاسبی های ما هم در جا زدن».

یا شهروندی دیگر درباره راهبردی اقتصادی مردم عنوان می کند:

«مردم بندگان خدا با توجه به فشاری که روشونه، دیگه کاری نمی تونن انجام بدن. صبح تا شب کار می کنن و کل ذکر و خیرشون این شده که فقط در بیارن و شب هم سر سیر رو بالشت بدارند».

اتخاذ چنین راهبردهای کنشی با ظهور پدیده کرونا و تحت تأثیر قراردادن فعالیت های اقتصادی بیش از پیش در سطوح خرد جامعه گسترش پیدا کرد؛ امری که در نهایت باعث کاهش سرمایه گذاری، کاهش پس انداز و در نهایت کاهش قدرت اقتصادی در جامعه شده است. چنین جامعه ای با اقتصادی ضد توسعه مواجه است که پیش شرط های ابتدایی برای توسعه اقتصادی در آن رعایت نشده است یا مردم توان حرکت به سوی ایجاد این پیش شرط ها را ندارند. در همین باره شهروندی روایت می کند:

«من خودم امسال نتونستم پس انداز کنم. غیر از اونم کلاً تو این چندین سال هم همین طور چیزی نمیشه به اون صورت پس انداز کرد؛ نه اینکه نخوام پس انداز کنم، بلکه هیچ موقع نتونستم؛ چون درآمد آنچنان بالایی ندارم. همین که فعلاً اموراتم گذشته، گفتم خدا رو شکر دستت درد نکنه».

یا شهروندی دیگری با جملاتی کوتاه وضعیت خود و سایر مردم را این گونه توصیف می کند:

«مردم الآن دارن دست و پا می زنند. هرکس الآن به فکر نجات خودشه. مردم فقط به فکر این اند که نون شبشون رو دربیارند و غیر از این کاری نمی تونند بکنند».

## ۴. ۱. ۳. جامعه کم‌عیار

مضمون جامعه کم‌عیار<sup>۱</sup> به جامعه‌ای اشاره دارد که در آن اصول اجتماعی مورد نیاز برای یک زندگی طبیعی وجود نداشته باشد یا موجودیت این اصول زیر سؤال رفته باشد. در چنین جامعه‌ای به دلیل افزایش مشکلات اقتصادی، کیفیت زندگی افراد و استانداردهای آن کاهش پیدا می‌کند. ناامیدی و بی‌اعتمادی در سطح جامعه گسترش می‌یابد و مشاغل پست و کم‌بازده به راهی برای تأمین مخارج روزانه تبدیل می‌شوند. چنین جامعه‌ای با چنین شرایطی نارضایتی عمومی و کاهش آستانه تحمل مردم را در پی دارد که البته به واسطه نبود شرایط مطالبه‌گری و رشد نکردن این خصیصه اجتماعی، حالتی از سرشدگی در بین مردم روی خواهد داد؛ حالتی که در آن همبستگی بین مردم کم است و بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی اجتماعی افزایش می‌یابد.

روایت شهروندان تصویر روشن‌تری از این پدیده را نشان می‌دهد. یکی از مصاحبه‌شوندگان از همه‌گیری ناامیدی اجتماعی سخن می‌گوید:

«مشکلات زیادی برای مردم از نظر مالی و اقتصادی وجود دارد و وضعیت بسیار وخیم است. اغلب افراد ناامیدند و من هم گمان نمی‌کنم که وضعیت رو به بهبود باشد. اقلام خوراکی و... روز به روز در حال گران‌تر شدن است و این مسئله معلوم نیست که حل شود». یا شهروند دیگری عنوان می‌کند:

«فکر می‌کنم الآن کسی تحمل این وضعیت را نداشته باشد، ولی خب به هر حال جوریه که چاره‌ای ندارند و مجبورند کنار بیان. چرا چاره‌ای ندارند؟ چون حرفشون اصلاً به جایی و به مسئولان نمی‌رسد و جوری نیست که کسی بخواد براشون پیگیر باشه. مردم مجبورند کنار بیان».

۱. این مفهوم برگرفته از ایده مفهومی دکتر غلامرضا صدیق اورعی است که در پژوهش‌های مختلفی در باب آن تأملاتی شده و گزارش شده است؛ برای نمونه به باقری، صدیق اورعی و فرزانه (۱۳۹۹) و باقری، صدیق اورعی و یوسفی (۱۳۹۸) مراجعه شود.



شهروندی نیز به نحوه کسب مخارج روزانه اشاره دارد:

«چون درآمد کم کفاف زندگی نمی‌دهد، الآن کارهای خرده‌ریزه هم انجام می‌دم. مهم نیست کارش چی باشه. فقط یه پولی دست ما رو بگیره، خرجمون دربیاد». مردم به اتفاقاتی که در سطح جامعه رخ می‌دهد، حساس نیستند؛ حتی درباره اتفاقاتی که ممکن است بر زندگی روزمره آنها تأثیر بگذارد. چنین شرایطی حالتی از بی‌تفاوتی اجتماعی را رقم می‌زند که مردم به سرعت با آن خو می‌گیرند؛ حالتی که می‌توان آن را در شرایطی از بحران اقتصادی، انعطاف‌پذیری نامطلوب و نبود مطالبه‌گری در شرایط کنونی عنوان کرد. «مردم اصولاً خود را با شرایط سازگار کرده و به راحتی این شرایط را تحمل می‌کنند و به صورت جدی به شرایط اعتراض نمی‌کنند. هرچه اتفاق می‌افتد را می‌پذیرند».

#### ۴. ۱. ۴. فرهنگ عقلانیت ستیز

این مضمون نیز بیانگر نبود کنشی منطقی در سطح جامعه به شرایط بحران است. کنش‌های موجود در جامعه از سوی مردم بیشتر سمت و سوی از نبود عقلانیت و تسلط عاملی غیرعقلانی بر آن دارد. از طرفی کنش‌هایی از جنس تقدیرگرایی و توجیه تحمل فشار به واسطه دین، در سطح جامعه گسترش پیدا کرده و این امر عادی‌شدن وضعیت و از بین رفتن روحیه انتقادی را در مردم در پی داشته است. در جایی نیز گسترش کنش‌های توده‌ای و رفتارهای هیجانی در سطح جامعه دیده می‌شود که بیانگر نوعی تقلیدگرایی هیجانی است. کنش‌هایی چون هجوم برای خرید دلار، خرید ماشین، خرید کالاهای مصرفی، عضویت در بورس، تمایل گسترده برای دلالتی‌گری و... از آن جمله‌اند. این کنش‌ها بنا بر ماهیت خود که مبتنی بر بازی‌های سرجمع صفر پیش برده می‌شوند، به موازات منافع موردی و مقطعی که به برخی افراد می‌رسانند، بسیاری از مردم و عاملان اجتماعی را متضرر کرده است. گسترش روحیه فردگرایی و بی‌توجهی به منافع جمعی و همچنین کاهش اخلاق‌مندی و اخلاق‌گرایی در ذیل این مضمون قرار می‌گیرند که نشان از اتمیزه‌شدن فرهنگ و فروپاشی اخلاق اجتماعی دارد.

شهروندی می گوید: «تو این وضعیت مردم به خاطر دینشون تحمل می کنی. به خاطر اسلام و آل صبر مردم تمام شده است».

در اینجا شهروندان تصور می کنند که مطالبه گری و کنش برای مطلوبیت سازی شرایط، امری متضاد و متقابل با دین است؛ تصویری که به شدت مانع از کنش مردم برای مطالبه گری از مسئولان و مدیران برای بهبود شرایط می شود.

شهروند دیگری نیز حجم زیاد مشکلات در زندگی مردم را یکی از دلایل بی توجهی مردم به هم و منافع جمعی می داند. وی مطرح می کند:

«نظرم اینه که مردم همه درگیر کارای خودشون شدن. هر خانواده ای یک مشکلی داره، یکی مشکل طلاق داره، یکی مشکل اعتیاد داره، یکی مشکل مسائل سیاسی داره. هر کسی تو خانواده ش یک مشکلی داره و باعث شده که همه به فکر خودشون باشن و به فکر جامعه نباشند».

به عبارتی کنش هایی از این دست که نوعی فردگرایی و خودمحوری را نشان می دهد، از شرایطی ناشی می شود که مردم در آن درگیر هستند. مردم فارغ از این نوع کنش ها قادر به تأمین مایحتاج زندگی خود نخواهند بود. همان طور که شهروندی می گوید:

«آنقدر بار زندگی زیاد شده و شرایط دشوار شده و سخت می گذره که بعضی ها مجبورن به خاطر جبران ضررهای خودشون، به همون خودشون ضرر برسونن. این کار مورد قبول نیست، اما حق دارن؛ چون خرج دارن. این ها که کلاه سر مردم نمی ذارن. جامعه مون آنقدر تورم و مشکلات داره که عادی شده».

#### ۲.۴. راهبردهای اقتصادی مردم

در تحقیق حاضر در کنار مطالعه نگرش شهروندان در خصوص شرایطی از بحران و نامطلوبیت اقتصادی که به استخراج مضمون فراگیر ساختار توسعه گریز، در دو گروه (علت: فقدان بلوغ سیاسی و پیامدها: اقتصاد شکننده، جامعه کم عیار و فرهنگ عقلانیت ستیز) انجامید، راهبردهای اقتصادی مردم نیز در ارتباط با نحوه برخورد آنها با چنین شرایطی

بررسی شد. در این بخش از مطالعه نیز با بررسی مصاحبه‌های شهروندان مضامین مختلفی مرتبط با کنش‌های اقتصادی مردم احصاء شده است؛ بنابراین دومین مضمون فراگیر استخراج شده در تحقیق حاضر، مضمون راهبردهای مواجهه بوده است. این مضمون دارای سه مضمون سازمان‌دهنده و ۱۶ مضمون پایه است.

جدول ۳- تحلیل مضمون مربوط به مضمون فراگیر راهبردهای مقابله‌ای

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده		مضامین فراگیر
تغییر سبک زندگی	مقاومت		راهبردهای مواجهه
تغییر سبک مصرف			
استقراض حلقوی			
اولویت درآمد بر منزلت اجتماعی			
بازتنظیم مداوم اولویت‌های هزینه‌ای			
قناعت‌ورزی			
خوش‌نشینی			
کسب درآمد بیشتر	بازیابی		
خرید و فروش سرمایه			
استفاده از پس‌انداز			
احتکار کالا	ناکارا	خلاقیت	
دلالتی‌گری و واسطه‌گری			
سرمایه‌گذاری عجولانه			
تبهکاری مالی اینترنتی			
گسترش شغل	بالتوجه		
فرصت‌یابی درآمدی از فضای مجازی			

با توجه به وضعیت اجتماعی مردم روشن است که شرایطی از بحران و نامطلوبیت اقتصادی بر توانایی آنها برای برآورد نیازها و تأمین هزینه‌های زندگی تأثیر گذاشته است. در این وضعیت مردم با کاربرد راهبردهای متفاوت، قدم در نوعی بازسازی اقتصادی یا معیشتی گذاشته‌اند. در این مسیر، نوع کنش‌ها در برابر تهدیدهای موجود درخور تأمل است و بررسی آنها نکات مهمی را دربارهٔ اوضاع اقتصادی مردم نمایان خواهد کرد. در این بررسی‌ها سه نوع راهبرد مقابله‌ای دربارهٔ کنش‌های مردم احصاء شده است که عبارت‌اند از: مقاومت، بازیابی و خلاقیت.

#### ۴.۲.۱. مقاومت

مضمون مقاومت در این تحقیق بیانگر این مطلب است که مردم بعد از اینکه بحران و شرایط نامطلوب اقتصادی تأثیراتش را بر زندگی آنها گذاشت، قادر به بازگشت به حالت قبل از بحران نخواهند بود. در این شرایط افراد بیشتر سعی در ادارهٔ زندگی به صورت کوتاه‌مدت و چندروزه دارند. در چنین وضعیتی، عده‌ای حتی روزانه هدف‌گذاری می‌کنند و هدف‌گذاری آنها بیشتر از تأمین مایحتاج ضروری زندگی شان نیست.

شهروندی می‌گوید: «شرایط قبلاً خیلی بهتر بود اما الآن برای تأمین مایحتاج زندگی در مضیقه‌ایم». یا دیگری می‌گوید: «در این وضعیت فقط می‌توانم منارج روزمره‌ام را تأمین کنم و مجبورم بسیاری از چیزها را هم از اقلام خانواده حذف کنم. دیگر وام هم نمی‌توانم بگیرم؛ چون قدرت قسط‌دادن هم ندارم».

راهبرد مقابله با تهدید و شرایط نامطلوب در قالب تغییر سبک زندگی (حذف تفریح، سعی در تأمین معیشت روزانه، کاهش خرید پوشاک و هزینه پزشکی و...)، تغییر سبک مصرف خانوار (حذف میوه‌جات، استفاده از کالاهای بی کیفیت و ارزان و...)، استقراض حلقوی<sup>۱</sup>، اولویت درآمد بر منزلت اجتماعی (صفت‌نشینی، انجام‌دادن کارهای پست و

۱. در استقراض حلقوی افراد برای تأمین نیاز خود و پرداخت اقساط و بدهی خود، مجبور به قرض و وام‌گرفتن از بانک و اطرافیان می‌شوند. این امر تنها به افزایش مبلغ بدهی و تغییر طرف طلبکار منجر می‌شود.

کم‌بازده، انجام‌دادن کار خانگی و...)، بازتنظیم مداوم اولویت‌های هزینه‌ای (قراردادن هزینه فرزندان و زن به‌عنوان اولویت اول، کاهش سطح توقعات، حذف نیاز سرپرست خانوار و...)، قناعت‌ورزی و خوش‌نشینی<sup>۱</sup> نمایان شده است. در توضیح این مسئله باید گفت که شرایط مالی و اقتصادی مردم آنقدر ضعیف شده است که کمتر کسی در این شرایط توان حفظ شرایط گذشته خود قبل از وضعیت نامطلوب اقتصادی جامعه را دارد. همین امر افراد را به سوی راهبرد مقاومت در برابر شرایط سوق داده است که مطابق آن مردم مجبورند که برای تأمین نیازهای خود از کیفیت و حتی کمیت نیازهای خود بکاهند. این نوع از کنش اقتصادی مردم برای عبور از بحران، صرفاً کنشی برای تأمین نیازهای معیشتی روزانه است؛ به‌عبارتی، دیگر راهبرد مقاومت، راهبردی برای بقای افراد است. در این راهبرد، بیشتر تأکید بر رفع نیازهای ضروری است. گفتنی است که در این راهبرد سرپرستان خانوار بیش از سایر اعضای خانواده از نیازها و خواسته‌های خود دست می‌کشند.

#### ۴.۲.۲. بازبایی

راهبرد بازبایی به توانایی مردم در عبور از شرایط حاضر اشاره دارد. این راهبرد به این مفهوم است که بعد از ظهور شرایطی از نامطلوبی اقتصادی، افراد جامعه درصدد این برمی‌آیند تا به سطح رفاهی خود، قبل از شرایط نامطلوب بازگردند. در جامعه بررسی شده، شهروندان از طریق کسب درآمد بیشتر، خرید و فروش سرمایه و استفاده از پس‌انداز، به‌دنبال حفظ شرایط خود حتی با وجود وضعیت نامطلوب اقتصادی جامعه هستند؛ بدین صورت که افراد برای کسب درآمد بیشتر، انجام‌دادن کارهای نیمه‌وقت در کنار شغل اصلی، افزایش ساعات کاری و حتی اتکا به نیروی مالی سرپرست دیگر را نیز مدنظر داشته‌اند. خرید و فروش سرمایه در این افراد نیز در زمینه خرید و فروش طلا (که عموماً با ضرر همراه بوده

---

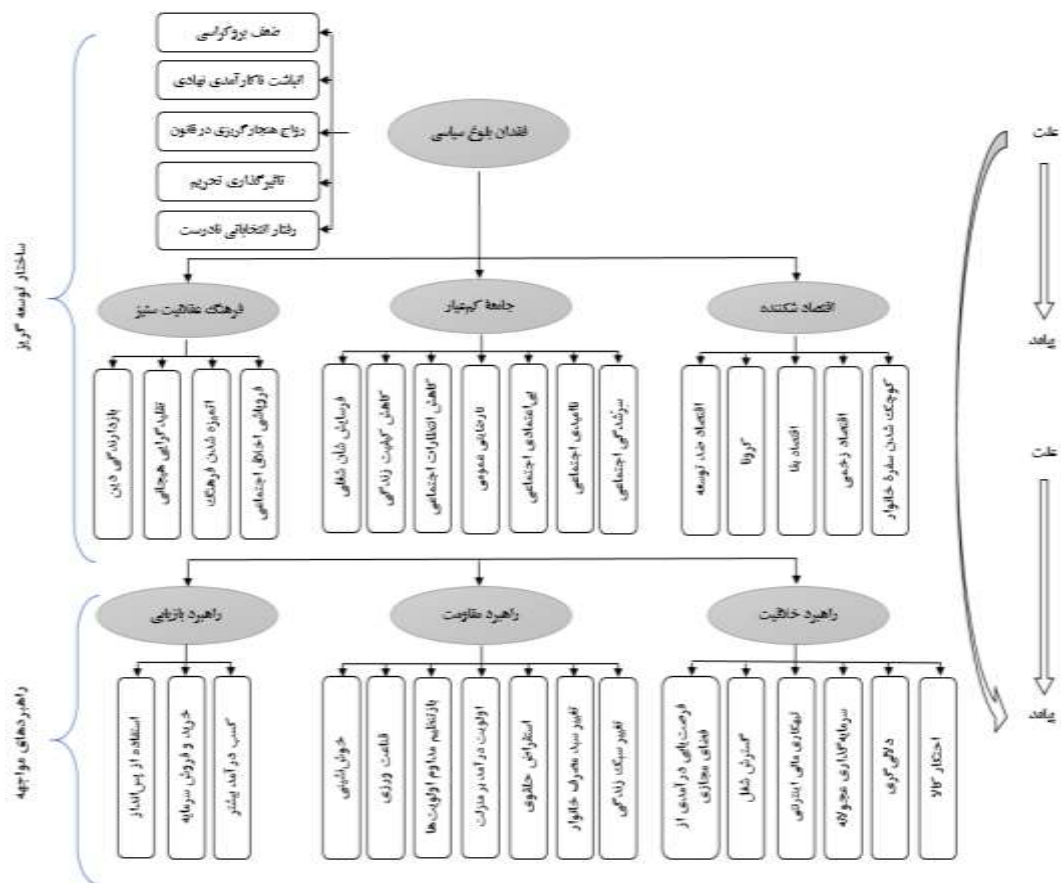
۱. خوش‌نشینان افرادی هستند که تحت تأثیر شرایط کاملاً از تلاش برای تأمین مایحتاج نیز دست کشیده‌اند و همیشه در انتظار اتفاقی هستند که مایحتاج آن‌ها نیز تأمین شود؛ مثل عده زیادی از افراد جامعه که به امید دریافت یارانه نقدی زندگی می‌کنند. این افراد انتظارات خودشان را نیز تا همان سطح پایین آورده‌اند.

است) و همچنین ملک بوده است؛ امری که بیشتر برای تأمین مخارج یا پرداخت بدهی روی می‌دهد. گفتنی است که نوع کنش افراد برای بازگشت به شرایط خود قبل از بحران و حفظ آن از نوع کنش‌های مالی کوتاه‌مدت بوده است؛ به عبارتی راهبرد بازیابی در جامعه ما یک راهبرد بلندمدت برای عبور از شرایط نامطلوب نیست؛ بلکه کنشی برای درامان‌ماندن از تأثیرات مقطعی شرایط بحرانی است. در این حالت با ادامه شرایط نامطلوب و مصرف پس‌انداز و عواید ناشی از خرید و فروش ملک و طلا، این خانوارها نیز چاره‌ای جز استفاده از راهبرد مقاومت نخواهند داشت؛ بنابراین کنش‌های صورت‌گرفته از سوی افراد در بازیابی اقتصادی خود در بلندمدت چندان مورد اتکا نبوده است و این کنش‌ها با ادامه شرایط نامطلوب اقتصادی، از دایره کنش‌های انجام‌شدنی افراد حذف خواهند شد.

#### ۴.۲.۳. خلاقیت

مضمون سوم درباره راهبردهای مقاومتی، خلاقیت است. در این راهبرد افراد فقط بازگشت به نقطه تعادل اولیه را در نظر ندارند؛ بلکه به دنبال این هستند تا با سازگاری با شرایط جدید، به سطوح بالاتری از عملکرد اقتصادی و مالی برسند. در جامعه بررسی شده در تحقیق حاضر نیز افراد راهکارهای متعددی را برای عبور از شرایط و بهبود وضعیت خود در مقایسه با قبل در نظر داشته‌اند. نکته درخور توجه در این کنش‌ها، نامولد و ناکارابودن آن‌ها برای عموم جامعه است که در جایی نیز همراه با متضررشدن جامعه و فرد بوده است. راهکارهایی چون احتکار کالا (در سطح عمومی و خانگی)، دلالی‌گری، سرمایه‌گذاری‌های عجولانه (غالباً منجر به ضرر) و تبهکاری مالی اینترنتی با استفاده از فضای مجازی از جمله راهبردهای خلاق، اما ناکارای افراد بوده است. در کنار این نوع کنش‌ها، باید از کنش‌های خلاق نارس نیز سخن گفت؛ از جمله گسترش شغل و فرصت‌یابی درآمدی از فضای مجازی. نکته مهم درباره راهبرد خلاقیت نارس، حمایت‌نشدن از افراد برای شکوفاشدن استعدادهاست. در اینجا افراد تمایل خود را به این نوع از کنش‌ها نشان داده‌اند که غالباً یا با موانع روبه‌رو شده‌اند یا از نبود سازگاری شرایط با موقعیت آن‌ها گله‌مند هستند. این نوع

کنش‌های خلاق به‌عنوان پتانسیلی در درون برخی افراد جامعه وجود دارد و زمانی بالفعل می‌شود که شرایط برای انجام آن‌ها مهیا شود؛ باین‌حال در حال حاضر، مصاحبه‌کنندگان از نبود چنین شرایطی سخن گفته‌اند؛ بنابراین کاربرد راهبرد خلاقیت در جامعه بررسی شده صرفاً نوعی کنش اقتصادی ناکارا است که نه تنها شرایط جامعه را بهبود نمی‌بخشد، بلکه به صرف دستیابی به منافع شخصی، خیر و منفعت عمومی را نیز نادیده گرفته است.



شکل ۱- مدل (نقشه مضمونی) تحقیق

## ۵. نتیجه گیری

این مطالعه با هدف فهم و شناخت و درنهایت، توضیح راهبردهای اقتصادی مردم در مواجهه با شرایطی از نامطلوبیت اقتصادی انجام شده است. در فرایند اجرا، داده‌ها با شیوه مصاحبه گردآوری شدند و در چهارچوب کدگذاری نظری با استفاده از روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. از این طریق معانی و مفاهیم مدنظر شهروندان در قالب دو مضمون فراگیر ساختار توسعه‌گریز و راهبردهای مواجهه که شامل هفت مضمون سازمان‌دهنده بودند، جای داده شدند. مضامین فقدان بلوغ سیاسی، جامعه کم‌عیار، اقتصاد شکننده و فرهنگ عقلانیت‌ستیز مرتبط با مضمون فراگیر ساختار توسعه‌گریز بودند و مضامین راهبرد مقاومت، راهبرد بازیابی و راهبرد خلاقیت نیز در حوزه مضمون فراگیر راهبردهای مواجهه قرار گرفتند.

براساس نتایج احصاء‌شده، داده‌های حاصل از تحقیق نشان دادند که تحلیل نوع راهبردهای مواجهه‌ای مردم نیازمند شناخت محیط و بستر روی‌دادن کنش‌هاست. اول از همه شهروندان به توصیف محیطی اشاره کرده‌اند که زمینه‌ساز کنش‌های آن‌ها بوده است. آن‌ها هم ناکارآمدی نهادی شامل مسئولان ناکارآمد و مسئولیت‌ناپذیر را دیده‌اند و هم از رواج قانون-گریزی و گسترش تحریم‌ها گله‌مندند و هم رفتار انتخاباتی و رفتارهای سیاسی مردم را زیر سؤال می‌برند؛ عواملی که با عنوان فقدان بلوغ سیاسی معرفی شده‌اند. شهروندان این فقدان را به‌عنوان پشت‌صحنه و علت رخدادهای موجود در جامعه معرفی کردند و اصلاح و رفع مشکلات بخش‌های دیگر جامعه را در گرو اصلاح این عوامل می‌دانند.

فقدان بلوغ سیاسی در جامعه بر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز تأثیر گذاشته است. در حوزه اقتصادی، مردم درباره کوچک‌شدن سفره خود و تلاش برای رفع مایحتاج روزمره صحبت می‌کنند. اقتصاد در سطوح خرد بیش‌ازپیش شکننده شده است و ظهور پدیده کرونا بیش‌ازپیش شرایط را برای مردم دشوارتر کرده است، اما در حوزه اجتماعی با جامعه‌ای کم‌عیار مواجه شده‌ایم که از سرشدگی اجتماعی (بی‌تفاوتی شدید



اجتماعي)، نااميدي اجتماعي، بي‌اعتمادی اجتماعي و نارضايتی عمومي به شدت رنج می‌برد؛ عواملی که حضور هرکدام در حوزه اجتماعي یک جامعه می‌تواند به شدت مخرب و آسیب‌زا باشد.

در حوزه فرهنگي نیز نوعی از امر عقلانیت ستیز رو به رواج گذاشته است که از مهم‌ترین آن‌ها در بین نمونه تحقیق این موارد قابل‌احصاء بود؛ استفاده از دین برای توجیه کنش نبود مطالبه‌گری؛ به این معنی که مطالبه‌گری مردم در اجتماع ممکن است امری ضد دین باشد، تقلیدگرایی هیجانی به معنی گسترش کنش‌های بدون فکر و آموزش، تمیزه‌شدن فرهنگ و گسترش فردگرایی و درنهایت، فروپاشی اخلاقی در جامعه.

اما در تحقیق حاضر در کنار مطالعه نگرش شهروندان درباره شرایطی از بحران و نامطلوبیت اقتصادي، راهبردهای اقتصادي مردم نیز در ارتباط با نحوه برخورد آن‌ها با چنین شرایطی بررسی شده است. نتایج احصاء شده از داده‌های تحقیق نشان از سه نوع راهبرد بازسازی اقتصادي در زندگی مردم دارد. راهبرد غالب در بین مردم، راهبرد مقاومت نامیده شده است. در راهبرد مقاومت صحبتی از هدف‌های بلندمدت اقتصادي و بهبود اقتصادي نیست. در اینجا مردم صرفاً به دنبال تهیه مایحتاج زندگی خود هستند و اقتصادي از نوع بقا دارند. این راهبرد گستره‌ای از کنش‌های اقتصادي کوتاه‌مدت و کاهشی را در بر می‌گیرد. کوتاه‌مدت به معنی پیگیری مایحتاج روزانه و نداشتن برنامه بلندمدت اقتصادي و کاهشی نیز به معنی کم کردن و کاستن از کمیت و کیفیت نیازهای خانوار است. راهبرد بعدی احصاء شده از نتایج، راهبرد بازیابی نامیده شده است. در این راهبرد کنش‌های اقتصادي افراد و خانوارها در سطحی بالاتر از راهبرد مقاومت قرار دارد. در اینجا خانوارها سعی دارند تا سطح رفاهی خود قبل از بحران را نیز در شرایط بحرانی حفظ کنند؛ اما در نمونه مطالعه شده، این امر به وضوح قابل مشاهده بود که کنش‌های اقتصادي در راهبرد بازیابی نیز وجهه‌ای کوتاه‌مدت و ناپایدار داشته‌اند و صرفاً راهبردی برای عبور از شرایطی بحرانی است؛ به عبارتی، ادامه وضعیت نامطلوب اقتصادي در جامعه به مرور به حذف کنش‌های اقتصادي در این راهبرد

می‌انجامد. سومین راهبرد استفاده‌شده نیز راهبرد خلاقیت نامیده می‌شود. ماهیت این راهبرد این است که افراد به دنبال استفاده از شرایط موجود در جامعه، خواهان ترقی و پیشرفت مالی خود هستند. در شرایط کنونی جامعه نیز بسیاری به این راهبرد متوسل شده‌اند که البته نوعی خلاقیت نامولد و ناکارا را در جامعه گسترش داده است؛ خلاقیتی که منفعت عمومی نادیده گرفته شده و نفع شخصی در اولویت قرار گرفته است. در قالب این راهبرد، کنش‌هایی چون احتکار کالا در سطوح خرد و کلان، دلالی‌گری و واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری‌های عجولانه و غالباً منتج به ضرر و تبه‌کاری‌های مالی اینترنتی صورت می‌گیرند؛ بنابراین نوع خلاقیت نیز در اجتماع از نوع ناکارا و نامولد آن است که در سطح بسیار وسیعی شرایط را برای عده بسیاری از افراد وخیم‌تر کرده است.

به‌طور کلی و با در نظر داشتن آگاهی محققان از سطح برخورداری مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت که قاطبه افراد کمتربرخوردار در مواجهه با بحران به سراغ راهبردهای مقاومتی رفته‌اند؛ درحالی‌که مصاحبه‌شوندگانی با سطح برخورداری متوسط بیشتر متمایل به راهبردهای بازیابی بوده‌اند و راهبردهای خلاق نیز مورد اتکای افرادی با سطح برخورداری بالاتر بوده است. در تبیین این نتیجه می‌توان به خصلت ضمنی متمایزکننده راهبردهای احصاء‌شده اشاره کرد که مبتنی بر آن هریک از این راهبردها مشتمل بر درجات متفاوتی از توان ریسک‌پذیری هستند. منابع مادی و ذهنی افراد کمتربرخوردار برای پذیرش ریسک‌های پیش‌رو غالباً در سطح پایین است؛ در نتیجه راهبرد مقاومتی که از حیث ماهیت، خطرپذیری کمتری را طلب می‌کند، بیشتر مورد اتکای این گروه از مصاحبه‌شوندگان بوده است. چنین تفسیری را در ارتباط با دو رهیافت دیگر نیز می‌توان داشت؛ بر این اساس شرایط اقتصادی حد متوسط، سطح بالاتری از ریسک‌پذیری و در نتیجه توان اتخاذ راهبردهای بازیبانه را برای فرد فراهم کرده است و در نهایت این افراد برخوردارتر بودند که از عهده تقبل و پرداخت هزینه ریسک که در راهبرد خلاقانه در بالاترین سطح قرار داشته است، برآمده‌اند. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که پدیده اقتصادی مطالعه‌شده یعنی الگوی مواجهه با بحران

اقتصادي در زندگي روزمره، به طور مشخص بر پايه ترکيبي از ويژگي هاي اجتماعي، فرهنگي و حتي نظام شخصيتي عاملان اجتماعي، حک شده است؛ از اين روست که مي توان در طبقات اجتماعي-اقتصادي مختلف انعکاس متفاوتي از اين حک شدگي را در قالب راهبردهاي مختلف اتخاذ شده از سوي عاملان اجتماعي مشاهده کرد.

بنابراين با توجه به مطالب ذکر شده بايد عنوان کرد که در شرايط کنوني مردم با تراکمي از آبچالاش ها روبه رو شده اند که از سطوح بالاي جامعه سرازير شده و تا سطوح خرد توزيع شده است. کنش هاي اقتصادي افراد به وضوح متأثر از شرايط جامعه بوده است و وجود ناکارآمدي و نقصان در بخشي از آن، قسمت هاي ديگر را نيز دچار نقصان کرده است. در اين شرايط بايد با تلاش بيشتري و اصلاح بسياري از امور در بخش هاي مختلف اعم از سياسي، اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي، به بهبود وضعيت کمک کرد. نکته ديگر بيان شدني در نتايج اين تحقيق اين است که با اين نوع از کنش هاي اقتصادي نمي توان انتظار توسعه و رشد را از جامعه داشت. ادامه اين شرايط به تدريج جامعه را به سمت زوال سياسي، اجتماعي و فرهنگي خواهد کشاند و رشد اقتصادي را نيز متوقف خواهد کرد؛ بنابراين مقتضي است تا با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان امر، اصلاح امور در دستور کار قرار داده شود و از تراکم بيش از پيش مشکلات و چالاش ها جلوگيري شود؛ زيرا بي توجهي به اين موضوع بدون شک مي تواند روند توسعه کشور را چندين سال به عقب اندازد؛ امري که با توجه به پيشرفت روزافزون کشورهای منطقه و ساير کشورهای جهان، موقعيت کشور را نيز در سطوح مختلف بين المللي متأثر مي کند.

#### کتاب نامه

۱. احمد زاده، ع.، حيدري، ح.، ذوالفقاري، م. (۱۳۹۱). تحليلي بر بحران مالي اخير و اثر آن بر اقتصاد نفتي ايران. ماهنامه بررسي مسائل و سياست هاي اقتصادي، (۶ و ۷)، ۲۹-۴۶.
۲. اشرف، ا. (۱۳۵۹). موانع تاريخي رشد سرمايه داري در ايران دوره قاجاريه. تهران: نشر زمينه.

۳. ایزدی، م. (۱۳۸۷). *پیدایش و گسترش بحران مالی در جهان و اثرات آن بر اقتصاد ایران*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۴. باقری، م.، صدیق‌اورعی، غ.، و فرزانه، ا. (۱۳۹۹). مسئله تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱ (۲)، ۳۳-۶۴.
۵. باقری، م.، صدیق‌اورعی، غ.، و یوسفی، ع. (۱۳۹۸). مسئله تعامل اجتماعی در جامعه ایران، بازکاوی مشکلات تعامل در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰ (۱)، ۵۳-۸۰.
۶. خضری، م. (۱۳۸۷). بررسی آثار بحران مالی در اقتصاد آمریکا بر اقتصاد ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۲ (۱)، ۶۵-۸۲.
۷. رضایی، م. (۱۳۹۷). ارزیابی علل و پیامدهای عمده بحران اقتصادی در ایران. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۲ (۴۲)، ۲۰۱-۲۲۷.
۸. رنانی، م.، سرمدی، ح.، و شیخ انصاری، م. (۲۰۱۷). نقد عقلانیت کلاسیک؛ رویکرد عقلانیت محدود (مرزبندی شده) سایمون. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۳ (۲)، ۷۱-۹۳.
۹. زبیری، ه. (۱۳۹۶). ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*، ۱۴ (۱)، ۱۷۳-۲۰۶.
۱۰. سایت بانک مرکزی ایران. <https://www.cbi.ir/>
۱۱. سوئدبرگ، ر. (۱۳۹۶). *منفعت‌طلبی و ساختار اجتماعی: مباحثی در جامعه‌شناسی اقتصادی* (ع. سعیدی، مترجم). تهران: لوح فکر.
۱۲. شیخانی، ح.، و موسوی، س.م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر بحران اقتصاد جهانی بر متغیرهای اقتصادی ایران. *حصون*، ۳۵ (۳)، ۱۲۰-۱۰۲.
۱۳. صدیقی کسمایی، م. (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد نهادگرا، و جامعه‌شناسی اقتصادی. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۵ (۱)، ۷۱-۹۰.
۱۴. فاس فلد، د. (۱۹۹۳). *بازار در پهنه تاریخ: نگاهی به آموزه‌های اقتصادی کارل پولانی* (پ. راستی، مترجم). فرهنگ توسعه، ۲۰ (۲)، ۵۰-۴۸.

۱۵. گرنفل، م. (۱۳۸۹). *مفاهيم کليدي پيرورديو: محمد مهدي لبيبي (چاپ اول)*. تهران: شرکت نشر نقد افکار.
۱۶. مالجو، م. (۱۳۸۵). رابطه اقتصاد و جامعه در تاريخ اقتصادي از نگاه کارل پولاني. *اقتصاد و جامعه*، ۲ (۷)، ۲۰۲-۲۱۱.
۱۷. متوسلي، ا. (۱۳۹۱). بررسي فرايند تغييرها در تعامل هاي انساني از منظر علوم انساني؛ با تاکيد بر دو جريان اتريشي و نهادي. *فصلنامه برنامه ريزي و بودجه*، ۱۷ (۴)، ۴۵-۶۸.
۱۸. ميرزايي، م.، صديق اورعي، غ.، کرمانی، م.، و اصغريور، ا. (۱۴۰۰). راهبردهای انطباق با بحران های اقتصادي: فراترکيب کيفي مقالات علمي از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰. *جامعه شناسي اقتصادي و توسعه*، ۱۰ (۱)، ۲۹۷-۳۲۰.
۱۹. ولي زاده، ع.، احمدرش، ر.، و ساعي ارسى، ا. (۱۳۹۷). مطالعه تاريخي نقش مناسبات نظام بازار در توسعه اجتماعي ايران (با تاکيد دوران معاصر). *مطالعات توسعه اجتماعي ايران*، ۱۰ (۲)، ۱۰۵-۱۲۵.
20. Baumol, W. J. (1996). Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. *Journal of Business Venturing*, 11(1), 3-22.
21. Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Harvard University Press.
22. Bourdieu, P. (2005). *The social structures of the economy*. Polity.
23. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 2(3), 77-101.
24. De Grauwe, P. (2010). *The financial crisis and the future of the Eurozone* (No. 21). European Economic Studies Department, College of Europe.
25. Della Porta, D. (2012). Critical trust: Social movements and democracy in times of crisis. *Cambio. Rivista sulle Trasformazioni Sociali*, 2(4), 33-43.
26. Gardo, S., & Martin, R. (2010). *The impact of the global economic and financial crisis on central, eastern and south-eastern Europe: A stock-taking exercise*. ECB Occasional paper.
27. Gigerenzer, G., & Selten, R. (Eds.). (2001). *Bounded rationality: The adaptive toolbox*. The MIT Press.
28. Granovetter, M. (1985). Economic action and social structure: The problem of embeddedness. *American Journal of Sociology*, 91(3), 481-510.
29. Henrekson, M., & Roine, J. (2007). Promoting entrepreneurship in the welfare state. In *The handbook of research on entrepreneurship policy* (pp. 64-93). USA: Edward Elgar Publishing.

30. Holcombe, R. G. (2003). The origins of entrepreneurial opportunities. *The Review of Austrian Economics*, 16(1), 25-43.
31. Huang, X. (2019). Understanding Bourdieu-cultural capital and habitus. *Review of European Studies*, 11, 45.
32. Kapoor, S. (2010). *The financial crisis-causes & cures*. Friedrich-Ebert-Stiftung, EU Office Brussels.
33. Mačerinskienė, I., Ivaškevičiūtė, L., & Railienė, G. (2014). The financial crisis impact on credit risk management in commercial banks. *KSI Transactions on Knowledge Society*, 7(1), 1-12.
34. Mathis, K., & Steffen, A. D. (2015). From rational choice to behavioural economics. In *European perspectives on behavioural law and economics* (31-48). Cham: Springer.
35. Newton, K. (2001). Trust, social capital, civil society, and democracy. *International Political Science Review*, 22(2), 201-214.
36. North, D. C. (2005). *Introduction to understanding the process of economic change*. Introductory Chapters.
37. Polavieja, J. (2013). Economic crisis, political legitimacy, and social cohesion. Economic crisis, *quality of work and social integration: The European experience*, 256-278.
38. Powell, C. (2012). *The pain in Spain: political, social and foreign policy implications of the European economic crisis*. Análisis del Real Instituto Elcano.
39. Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2009). *This time is different: Eight centuries of financial folly*. Princeton: Princeton University Press.
40. Sarasvathy, S. D., Dew, N., Velamuri, S. R., & Venkataraman, S. (2003). Three views of entrepreneurial opportunity. In *Handbook of entrepreneurship research* (pp. 141-160). Boston: Springer,
41. Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25(1), 217-226.
42. Swedberg, R. (2009). *Bourdieu's contribution to economic sociology*. In *Frontiers of sociology* (pp. 231-244). Leiden: Brill.
43. The World Bank Annual Report. (2010). *World Bank Annual Report*. Washington, DC.